

بیت در دست است که در برخی از تذکرها و فرهنگهای فارسی (نک: مدبری، ۶۶ - ۶۸) نقل شده است.

مأخذ: آزادانی اصفهانی، محمد صادق، «شاهد صادق»، یادگار، تهران، ۱۳۲۴، ش. ۲، ش. ۴: اسدی طوسی، علی، لغت فارس، به کوشش عباس اقبال، تهران، ۱۳۱۹، ش: اوحدی بلیانی، تقی الدین، عرفات العاشقین، نسخه خطی کتابخانه ملک، ش. ۵۲۲۴: صفاء، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، ۱۳۳۸، ش: عوفی، محمد، لباب الالباب، به کوشش ادوارد براون، لندن، ۱۹۰۶م؛ مدبری، محمود، شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان، تهران، ۱۳۷۰، ش: منوچهری دامغانی، احمد، دیوان، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، ۱۳۵۶، ش: نظامی عروضی، احمد، چهارمقاله، به کوشش محمد قزوینی و محمد معین، تهران، ۱۳۳۳، ش: هدایت، رضاقلی، مجمع الفصحا، به کوشش مظاهر مصفا، تهران، ۱۳۳۶ و ۱۳۳۹، ش.

أَبُوالمَحَاسِنِ جُرْجَانِي، حسین بن حسن، عالم امامی و مؤلف تفسیر فارسی موسوم به *جلاءالاذهان و جلاءالاحزان*. درباره زندگی ابوالمحاسن اطلاعی داده نشده است، حتی به درستی دانسته نیست که وی در کدام سده می‌زیسته است. نخستین منبعی که از او یاد کرده و اندک آگاهی درباره او به دست داده، افندی است که در *ریاض العلماء* (۸۵/۲-۸۶) سطری چند را به وی اختصاص داده است. افندی از او با عناوینی چون فاضل، عالم، محدث و مفسر نام برده و وی را شخصیتی معروف و شناخته شده معرفی کرده و او را از مشاهیر علمای امامیه دانسته است. افندی، همچنین تفسیر *جلاءالاذهان* را که در آن روایات و اخبار امامان شیعه (ع) آورده شده است، با تعبیر «حسن الفوائد» وصف می‌کند. با این حال اظهار می‌دارد که تاریخ عصر مؤلف را نمی‌شناسد و بعید نمی‌داند که این تفسیر همان تفسیر گازی بوده باشد.

آقابزرگ در طبقات، در میان عالمان شیعه سده ۱۰/۱۶م از ابوالمحاسن نام برده است (ص ۶۱-۶۲). وی افزون بر نقل مطالب افندی و معرفی چند نسخه *جلاءالاذهان*، تنها بر پایه تاریخ کتابت یکی از نسخه‌های آن در ۹۷۲ق، دوره حیات مؤلف را به سده ۱۰ یا پیش از آن محدود می‌سازد. آقابزرگ همچنین در *الدریعه* ضمن معرفی تفسیر، درباره نسخه‌ای از *جلاءالاذهان* سخن گفته که عنوان تفسیر گازر داشته است. با این تفاوت که نام مؤلف در آن «ابوالمحاسن حسین بن علی جرجانی» ضبط شده بوده است (۱۲۳/۵). این در حالی است که در مقدمه نسخه چاپ شده از تفسیر گازر (۲/۱) نام مؤلف به تصریح خود وی «ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی» آمده است. آقابزرگ در *الدریعه* (۳۰۹/۴) نیز تحت عنوان تفسیر گازر گفته است که این نام بر تفسیر *جلاءالاذهان* اطلاق می‌شود، با اینهمه می‌گوید که تفسیر دیگری نیز به فارسی جز *جلاءالاذهان*، موجود است که نسخه‌ای از آن (با تاریخ ۹۷۷ق) در آستان قدس محفوظ است و احتمال داده شده که تألیف استاد «مولی ابوالحسن زواری» باشد که به «سید گازر» (؟) شهرت داشته است. ولی آقابزرگ این مطلب را یک احتمال صرف دانسته و در صحت آن تردید کرده است. وی اضافه می‌کند که استاد مولی ابوالحسن زواری، سید غیاث الدین جمشید مفسر زواری است که با عنوان تفسیر جمشید (نک: همان، ۲۷۰/۴) از تفسیر او یاد کرده است.

همو، «عقیده»، ضمن شرح السیف المشهور از سبکی، به کوشش مصطفی صائم بیرم، استانبول، ۱۹۸۹م؛ مجله مجمع العلمي العربی، دمشق، ج ۵، ۱۹۲۵م، ج ۱۷، ۱۹۴۲م؛ *مفتاح الكنوز الخفية*، بنه، ۱۹۲۲م؛ مقدسی، محمد، احسن التقاسیم، بیروت، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۷م؛ نسفی، عمر، *القدر فی ذکر علماء سمرقند*، به کوشش نظر محمد قاریایی، ریاض، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۱م؛ واعظ بلخی، عبدالله، فضائل بلخ، ترجمه کهن فارسی، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران، ۱۳۵۰، ش: هجویری، علی، کشف المحجوب، به کوشش والتین زوکوفسکی، سن پترزبورگ، ۱۹۲۶م؛ نیز:

Ahlwardt, Arshi, I. A., *Catalogue of the Arabic Manuscripts in Reza Library*, Rampur, 1966; Becker, C.H., «Materialien zur Kenntnis des Islam in Deutsch-Ostafrika», *Der Islam*, Hamburg, 1911, vol. II; Brinner, W.M., «Le traite arabé Mukaddima d' Abou-l-lait ...», *Journal of the American Oriental Society*, New Haven, 1964, vol. LXXXIV; De Slane; GAL; GAL,S; GAS; Hartmann, Richard, «Ein altosmanische Kor'ān-Kommentar», *Orientalistische Literaturzeitung*, Leipzig, 1924, vol. XXVII; Iranica; Juynboll, A.W.T., «Een moslimsche Catechismus», *Bijdragen tot de taal-land-en volkenkunde*, Dordrecht, 1881, vol. V; Khalidov; Pigeaud, Th.G.Th., *Literature of Java*, Batavia, 1970; Schacht, J., «New Sources for the History of Muhammadan Theology», SI, 1955, vol. I; id, «Zwei altosmanische Kor'ān Kommentare», *Orientalistische Literaturzeitung*, Leipzig, 1927, vol. XXX; Semenov. A.A., *Sobranie vostochnykh rukopisei Akademii Nauk Uzbekskoi SSR*, Tashkent, 1954; TS, türkçe.

احمدباکچی

أَبُوماهِرٍ مُوسَى بْنِ يُوْسُفَ بْنِ سَيَّارٍ، نک: ابن سیار.

أَبُوالمَثَلِ بُخَارِي، از شاعران پارسی‌گوی عصر صفاریان و سامانیان، زنده در نیمه اول سده ۴ق/۱۰م (نظامی، ۴۴؛ اوحدی، ۳۳؛ قس: صفاء، ۴۰۰/۱).

از زندگی وی - چون دیگر معاصرانش - دانسته‌هایی اندک در دست است. نخستین کس که در بیته نام او را ذکر کرده - و بر مرگ وی، رشک برده - ابوطاهر خسروانی (د ۳۴۲ق/۹۵۳م) است (نک: اسدی، ۳۰). منوچهری دامغانی (د ۴۳۲ق/۱۰۴۱م) نیز در قصیده‌ای نام او را در کنار شاعرانی چون رودکی، شهید بلخی، ابوشکور و ابوسلیک جرجانی آورده است (ص ۱۴۰) و نظامی عروضی وی را در ردیف رودکی و کسانی مروزی و ۵ تن دیگر از شاعرانی شمرده که نام خاندان سامانی را زنده نگه داشته‌اند (همانجا). تذکره‌نویسان نیز او را شاعری حکیم و فاضل (اوحدی، همانجا؛ هدایت، ۱۳۴/۱) و در «سخن‌سازی و فنون هنر» بی‌مانند خوانده‌اند (عوفی، ۲۶/۲؛ اوحدی، همانجا). این اشاره‌ها و نیز استشهد فرهنگ‌نویسان به شعرهای وی حکایت از آن دارد که ابوالمثل دست‌کم در سده‌های ۴ و ۵ق در میان دیگر شعرای پارسی‌زبان از اشتهار ویژه‌ای برخوردار بوده است. ابوالمثل با رودکی، ابوالمؤید بلخی و خبازی نیشابوری هم عصر (اوحدی، ۴۴۶؛ هدایت، ۶۰۰/۲، ۶۸۲)، و با سپهری بخارایی، شاعر دربار دیلمیان و سامانیان معاصر بوده است (همو، ۶۹۶/۲). تاریخ مرگ ابوالمثل روشن نیست، اما اگر درگذشت ابوطاهر خسروانی را در ۳۴۲ق (آزادانی، ۳۳) درست بدانیم، می‌توان با استناد بر سخن او در مرگ ابوالمثل (اسدی، همانجا)، نتیجه گرفت که وی در نیمه اول سده ۴ق درگذشته است.

از ابوالمثل تا کنون دیوانی به دست نیامده و از شعرهای او تنها ۲۵

ملی تبریز، خطی... بخش فقه، علوم قرآنی و حدیث

أبو المحاسنِ فاسی، نک: فاسی.

أبو محجن، شاعر مُحَضَّرَم، آنچه در مآخذ درباره او نقل شده، به افسانه بیشتر می‌ماند تا به واقعیت. در نام او اختلاف است: برخی گفته‌اند که نام او مالک یا عبدالله بود (ابن عبدالبر، ۱۷۴۶/۴)؛ برخی نیز گفته‌اند که وی ابومحجن نام داشت و کنیه اش ابوعبید بود (ابن حجر، ۱۷۰/۴)، او را حبیب نیز خوانده‌اند (آمدی، ۱۳۳).

او از طایفه بنی ثقیف بود (ابن عبدالبر، همانجا) و در غزوة طائف از تیراندازان دشمن به شمار می‌رفت (نک: واقدی، ۹۲۶/۲، ۹۳۰). هنگامی که گروه نمایندگان بنی ثقیف نزد پیامبر (ص) آمدند و مسلمان شدند، او نیز اسلام آورد (ابن عبدالبر، همانجا؛ ابن اثیر، ۲۹۰/۵؛ ذهبی، ۳۰۰).

گویند عمر به هنگام خلافت چندین بار به سبب باده‌نوشی، حد بر او جاری کرد و سپس وی را به جزیره‌ای به نام خَضْرُضی (جایی که اعراب پیش از اسلام متمرّدان را بدانجا تبعید می‌کردند: یاقوت، ۲۸۹/۲) تبعید کرد. آنجا بود که خبر گسیل شدن سعد وقاص را برای جنگ با ایرانیان شنید؛ از این رو، از زندان گریخت و به سعد پیوست (ابوالفرج، ۱/۱۹؛ ابن عبدالبر، همانجا؛ ابن حجر، ۱۷۱/۴). بر مبنای گزارش دیگری، دلیل تبعید او، ماجرای عاشقانه‌اش با یکی از زنان انصار بوده است (ابوالفرج، ۲/۱۹؛ ابن حجر، همانجا).

بر پایه گزارشی که طبری (۴۶۰/۳) نقل می‌کند، ابومحجن در ۱۳ق در فتح اَلس با مثنی بن حارثة شرکت داشت، اما از آنجا گریخت. داستان مشهوری که مؤلفان متقدم چون ابن سلام جمحی (ص ۶۸)، قدامة بن جعفر (ص ۳۵۹ - ۳۶۰)، ابن قتیبه (۳۳۷-۳۳۶/۱)، بلاذری (ص ۲۵۸) و مسعودی (۳۱۷-۳۱۴/۲) درباره ابومحجن نقل کرده‌اند و گزارش مفصل آن را طبری (۵۷۳/۳ - ۵۷۵) از قول سیف بن عمر آورده است و میان روایات آن اختلافات فراوان وجود دارد، نشان می‌دهد که ابومحجن در جنگ قادسیه شرکت داشت و سپس به سبب باده‌نوشی، توسط سعد وقاص زندانی شد، اما توانست به کمک همسر سعد از بند رهایی یابد و در میدان نبرد از خود رشادهای فراوان نشان دهد، چندان که شجاعت و تهور او موجب شگفتی سعد شد و به همین سبب از جرم او درگذشت (نیز نک: دینوری، ۱۲۱، ۱۲۲؛ ابن عبدبر، ۳۵۰/۶؛ ابوعلی مسکویه، ۲۰۴/۱ - ۲۰۶). به نظر برخی از محققان (عسکری، ۱۹۵/۱ - ۱۹۶)، سیف بن عمر شاخ و برگ فراوانی بر این داستان افزوده است. بر پایه خبری دیگر که طبری (۳۸/۴) از قول واقدی نقل کرده، عمر در ۱۶ق ابومحجن را به باضع (جزیره‌ای در نزدیکی یمن: یاقوت، ۴۷۱/۱) تبعید کرد.

از زمان مرگ او خبری در دست نیست. هشام بن عدی گوید که گور ابومحجن را کسی در آذربایجان - یا نواحی جرجان - دیده که بر آن

آقابزرگ (طبقات، (قرن ۱۰/۴۳) بعید نمی‌داند که مراد از «سید گازر» همین سید غیاث الدین جمشید زواری باشد. در این صورت تفسیر گازر نیز از آن همین غیاث الدین خواهد بود.

محدث ارموی که کتاب جلاءالاذهان را در ۱۰ مجلد به چاپ رسانیده، معتقد است که ابوالمحاسن حسین جرجانی معروف به گازر بوده است و به نحوی خواسته که جرجانی را در شمار سادات بنمایاند تا عبارت «سید گازر» درباره وی صدق کند (ص «ح، ط»). اینکه ابوالمحاسن همان گازر است، نیز توسط برخی یادداشتها که بر روی نسخه‌های خطی این کتاب موجود است، تأیید می‌شود (نک: ابن یوسف، ۱۰۲/۸ - ۱۰۳؛ نیز نک: محدث، «نط، س»). از این رو طبیعی است که محدث، تمامی نسخه‌هایی را نیز که به عنوان تفسیر گازر است، جزئی از تفسیر جلاءالاذهان بداند و آن را به چاپ برساند. در مقابل ابن یوسف (۱۰۵/۱؛ نیز نک: مرکزی، ۸۶/۱) بر این باور است که مؤلف جلاءالاذهان، کتاب را به پایان نبرده و شخص دیگری به نام سید گازر جزء دوم آن را نوشته و آن را تکمیل کرده است. به هر روی بر خلاف احتمال آقابزرگ (طبقات، (قرن ۱۰/۶۲)، ابوالمحاسن نباید به سده ۱۰ق تعلق داشته باشد، چرا که نسخه‌هایی از این کتاب پیش از این سده نوشته شده است؛ از آن جمله نسخه‌ای در کتابخانه ملی تبریز است که کتاب آن به سالهای میان ۸۸۸ - ۸۹۰ق باز می‌گردد (نک: ملی تبریز، ۲۹۰/۸؛ برای فهرستی از نسخه‌های تفسیر، نک: استوری، ۲۶۶/۸ - ۲۶۸). محدث ارموی نیز نسخه‌ای از این کتاب را که ظاهرأ به سده ۸ق مربوط می‌شود، می‌شناخته است (نک: ص «س»). چنانکه وی یادآور شده، این تفسیر برگرفته از تفسیر ابوالفتوح رازی است و جز خطبه کتاب می‌توان آن را خلاصه‌ای از آن دانست، با اینهمه مؤلف هیچ اشاره‌ای به ابوالفتوح و تفسیر وی نکرده است (ص «ی، یا»).

شایان ذکر است که افندی (۵۰۹/۵) از شخصی با عنوان ابوالمحاسن جرجانی یاد می‌کند که از معاصران علامه حلی بوده و کتابی با عنوان تکملة السعادات فی کیفیة العبادات المسنونات به فارسی داشته است؛ مؤلف آن را در ۷۰۲ق تألیف کرده بود و افندی نسخه‌ای از کتاب را به خط مولی حسن شیعی سبزواری و با تاریخ ۷۴۷ق در اختیار داشته است. افندی افزوده است که مولی حسن سبزواری شاگرد جرجانی بوده است. آقابزرگ (الذریعة، ۴۱۴/۴ - ۴۱۵) از این کتاب نام برده، ولی مؤلف آن را ابوالمحاسن علی جرجانی یاد کرده است (نیز نک: طبقات، (قرن ۸/۱۷۳)، درباره رابطه این شخصیت با صاحب جلاءالاذهان چیزی نمی‌دانی.

مآخذ: آقابزرگ، الذریعة، هم، طبقات اعلام الشيعة، تهران، ۱۳۶۶ش؛ ابن یوسف شیرازی، فهرست کتابخانه مدرسه عالی سیهسالار، تهران، ۱۳۱۳ - ۱۳۱۵ش؛ ابوالمحاسن جرجانی، حسین، جلاءالاذهان (تفسیر گازر)، به کوشش جلال الدین محدث ارموی، تهران، ۱۳۳۷ - ۱۳۴۱ش؛ استوری، چارلز، ادبیات فارسی، ترجمه روسی برکل، ترجمه یحیی آری‌پور و دیگران، تهران، ۱۳۶۲ش؛ افندی اصفهانی، عبدالله، ریاض العلماء، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱ق؛ محدث ارموی، جلال الدین، مقدمه بر تفسیر جلاءالاذهان (نک: هم، ابوالمحاسن جرجانی)؛ مرکزی، خطی؛